

۱۷۲۱

Handwritten notes and signatures in the top left corner, including a large 'C' and some illegible text.

استاد محترم دکتر...

دانشگاه ملی ایران

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

پایان نامه (تحقیقی)

برای دریافت درجه لیسانس

موضوع:

صنایع دستی ایران

به راهنمایی:

آقای فریدون رئیس دانشکده

هائده بزدان بخش

آذر ۱۳۵۲



۱۷۲۱

فهرست مندرجات

| صفحه | مقدمه |
|---------|---|
| ۱-۱۵ | فصل اول : وضع اقتصادی صنایع دستی ایران |
| ۱۶۰۰۰ | فصل دوم : بررسی صنایع دستی در نقاط مختلف کشور |
| ۱۷-۳۹ | بخش اول : قالی |
| ۴۰-۸۱ | بخش دوم : صنایع نساجی و بافندگی و روکاری |
| ۸۲۰۰۰ | بخش سوم : صنایع بافندگی دستی (میل بافی) |
| ۸۳-۸۷ | بخش چهارم : صنایع چرم‌کاری |
| ۸۸-۹۸ | بخش پنجم : سفال و کاشی ایران |
| ۹۹-۱۰۱ | بخش هشتم : خاتم‌سازی ✓ |
| ۱۰۲-۱۰۳ | بخش هفتم : فنبت‌کاری ✓ |
| ۱۰۴۰۰۰ | بخش هشتم : مینا تور و مینا سازی |
| ۱۰۵-۱۱۸ | بخش نهم : بافت و گلیم جاجیم و سایر محصولات ته‌شمی |
| ۱۱۹-۱۲۳ | بخش دهم : نازک‌کارهای چوب |
| ۱۲۴-۱۲۳ | بخش یازدهم : سایر صنوعات دستی |

از آنجائیکه تحقیق در مورد صنایع دستی تازه گی دارد و
مطالب چاغی شده در این مورد بسیار کم میباشد و —
گزارشات مربوطه نیز اغلب در دسترس نمیباشد از اینرو
در تهیه این رساله تحقیقی با محدودیتهایی مواجه
میشویم که بهر تقدیر باید با کوشش بسیار از عهده
این تحقیق با استفاده از منابع دست دوم بر آئیم .

قبل از انقلاب صنعتی صنایع دستی طریقه تاهمین حوائج انسانی از لحاظ کالا های صنعتی بودند .

انقلاب صنعتی ماشین را جانشین دست انسان نمود و از حمت و هزینه کمتر مصنوعات مرغوبتر تولید کرد . در نتیجه کسادی صنایع دستی رافرا گرفت .

اکنون با گذشت دو قرن از انقلاب صنعتی واپشرفت شکر صنایع ماشینی وحتی بحث از انقلاب صنعتی دوم و جانشین شدن ماشین نه تنها بجای دست آدمی بلکه بجای اندیشه و فکر انسانی صنایع دستی را از صفحه اقتصاد جهانی محو نگردانیده .

شك نیست که در غالب موارد تولید جنس پوسله ماشینی و از طریق تمرکز در واحدهای بزرگ بهتر سرمایهتر و کم خرج تر انجام میگردد اما تولیدات — ماشینی بکنواخت و یکجور میباشد و در ارضاء امیال گروهی که مایل به خروج از حد متعارف هستند ناتوان . انسان گاهی حاضر است قالی نفیس گران — قیمتی را خریداری وافی برصفا هرگل در اطاق خویش بگستراند و یا با کوزه ظریف سفالین سفره خویش را زینت دهد با اینکه پارچه های که دست هنرمند بکندنها اعجاز در آن بکار برده برتن پوشیده و از حالت بکنواختی خارج گردد .

فصل اول

وضع اقتصادی صنایع دستی در ایران

نقش صنایع دستی در توسعه اقتصادی

صنوعات هنری در گذشته خریداران محدودی از خوانین ثروتمندان و مالکین بزرگ داشت اما در عصر حاضر با بوجود آمده طبقه متوسط و مرفه گسترش جویی یافته است. توسعه روز افزون فروش قالی و گسترش بسیار بازار آن در داخل و خارج از نمونه های بازر این امرست. بنابراین استفاده از این بازار در حال انبساط اعم از داخلی یا خارجی. مفید برای توسعه اقتصادی کشور است. مخصوصا در کشور ماکه بواسطه در تماس بودن با تعدنیهای متضاد در طول تاریخ هر تلام تنوع محیط جغرافیایی تفاوت آداب و رسوم محلی صنعتگران دارای استعداد خارق العاده های برای خلق صنایع دستی میباشند و خوبی میتوانیم مشتریان خوبی برای فروش صنوعات آنان بدست آوریم.

غالب صنایع دستی ما دارای ضرایف و دقیق ممتازیست که نمی توان نظایر آنرا در جای دیگر یافت.

با ترویج صنایع دستی از قسمتی از منابع که بلا استفاده باقیمانده بهره برداری میشود این منابع مکرر است انسانی باشند مانند بکار گماردن کارگران بیکار بیکاران. فصلی ساعات بیکاری کارگران کشاورزی و یا استفاده از خدمات زنان در روستاها و شهرهای کوچک که در صورت نبودن صنایع دستی اکثر این افراد به سایر بازارهای کار جلب نمیکردند و منبع عظیمی بدین طریق صنایع میگردد.

از طرف دیگر بعضی از این صنایع مواد اولیه لازم را از کارخانجات داخلی تهیه میکنند مانند صنعت نساجی دستی که مصرف کننده نخ کارخانجات نخ رسی هستند بنابراین توسعه چنین صنایع و صدور محصولاتشان بخارج وسایل گسترش صنایع ماشینی و در واقع صدور کالاهای آنها را بخارج میسر میسازد .

در صنایع دستی خواص چندی ملاحظه میگردد که ایجاد آنها در نقاط مختلف کشور و مخصوصاً در ریهن روستائیان میسر میسازد . در غالب آنان نیاز زیادی به سرمایه ثابت نیست با مخارج کم و فرصتی کوتاه وسایل لازم تولید فراهم میگردد چرخش سرمایه در گردش نیز زیاد است احتیاج به سرمایه گزاف سرانه اقتصادی اجتماعی و زیر بنایی نمیشد بهدیرت صنعتی هم احتیاجی نیست و با راهنمایی های فنی ، حصول حداکثر بازده میسر میگردد همچنین قابلیت انعطاف صنایع دستی در مقابل تغییرات سلیقه و مد زیاد و با هزینه ای کم و به سرعت میتوان فرم و رنگ و شکل مصنوعات را تغییر داد .

بنابراین بطور خلاصه اهمیت و امتیازات صنایع دستی از نظر اقتصادی عبارتست

از :

- ۱ - عدم احتیاج به سرمایه گذاری هنگفت .
- ۲ - قدرت جذب فوق العاده نیروی انسانی .

- ۳ - پائین بودن " نسبت سرمایه به محصول " . (البته این موضوع کلیت ندارد .
 در برخی از صنایع دستی بواسطه روش تولید خیلی قدیمی سطح کارایی کمی -
 اندازه پایین است و مقدار سرمایه مورد لزوم در هر واحد تولید بیش از صنایع
 کارخانه ای و کارگاهی است .)
- ۴ - عدم احتیاج به مدیریت صنعتی .
- ۵ - قابلیت تغییر طرح فرم رنگ و نقش با سرعت و هزینه ناچیز و سهولتی که در
 تولیدات ماشینی امکان پذیر نیست .
- ۶ - وجود امکانات ویژه در صادرات صنایع دستی روستایی و علاقمندی توریستها
 باینگونه صنایع .

مشکلات صنایع دستی

بهبود صنایع دستی در کشورهای در حال توسعه با موانعی مواجه است که اکثراً

ناشی از ساختن جامعه روستایی و رسوم محلی میباشد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- بیسوادی و پایین بودن سطح اطلاعات فنی صنعتگران دستی و ضعف قوه

ابداع و ابتکار آنان :

اصولاً بیسوادی اکثریت مردم از مشخصات کشورهای در حال توسعه میباشد .

از این نظر در میان صنعتگران دستی که اکثراً مقیم شهرهای کوچک و روستاها

میباشند عده با سوادان فوق العاده محدود است این بیسوادی و پایین بودن سطح

اطلاعات صنعتگران دستی، یک حالت رکود و عدم قبول افکار و شیوه های نو در این

رشته ها بوجود آورده و موجب شده که صنعتگران مزبور فاقد اعتقاد بنفس باشند .

۲- پراکندگی جغرافیایی سازندگان مصنوعات دستی :

بطور کلی بر اساس مطالعات جامعه شناسی این واقعیت مسلم شده که مردم

روستانشین دارای روحیه و طرز فکر انفرادی بوده و به حفظ استقلال فردی فوق العاده

بایهند میباشد . از نیرو سازندگان محصولات دستی که اکثراً در روستاها و دهات

بتهایی در خانه های خود و با بصورت دسته های دو یا چند نفری در کارگاههای -

کوچک و فاقد وسائل کافی بکار اشتغال دارند کمتر حاضر به ایجاد تشکیلات -

منظم و گروههای متشکل بین خود میباشد . همین پراکندگی و عدم سازمان بین

افراد این طبقه موجب شده که غالباً در جلب حمایت دولت و توجه مسئولین امر نتوانند توفیق چندانی کسب کنند .

۳ - فقدان امکانات مالی صنعتگران دستی :

اغلب سازندگان محصولات دستی در نتیجه عدم توانایی مالی قادر به توسعه دامنه فعالیت خود و ایجاد ذخیره کافی از کالاهای ساخته شده نمیباشند، از اینرو معمولاً بطور پیش فروش و در مقابل گرفتن مساعده از خریدار اقدام به تولید مینمایند در این شرایط هرگاه تقاضا برای محصولات آنها افزایش یابد بهیچوجه نمیتوانند تولید را با آن هماهنگ سازند در نتیجه کافی نبودن عرضه و تاخیر در تهیه و ارسال کالاهای درخواستی موجب عدم رضایت خریدار و احتمالاً اولتیماتوم و از خرید و بالاخره رکود بازار میگردد .

۴ - بازار باسی و فروش :

از مشکلات بزرگ صنایع دستی عدم مراعات شئون بازار باسی است . اصولاً صنعتگر کوچکترین توجهی به مسئله بازار باسی نداشته و بیشتر هم خود را مصروف تولید و سایر امور مالی مینماید در صورتیکه تولید فقط برای تولید از نظر اقتصادی صحیح نیست و بازار باسی در واقع یکی از اصول اساسی صنعت محسوب میگردد زیرا تولید تا موقعی که به مرحله مصرف رسد نتیجه ای ندارد .

عدم دقت در این مورد باعث میگردانند که شعاع عمل صنعتگر محدود شود. اکثر بازاریاران محصولاتشان منحصر به بازارهای قبلی است که روز به روز محدودتر میگردند و -
 کوششی برای دسترسی به بازارهای جدید بعمل نیاید.

از جهت دیگر اکثریت صنعتگران در روستاها و نقاط دور افتاده سکنی دارند و امکان دستیابی مستقیم به بازار را ندارند. لهذا واسطه‌ها بهمان می‌آیند بطور کلی عدم دسترسی مستقیم سازندگان محصولات دستی به بازارها انجام معاملات تجاری با واسطه‌ها و پراکندگی جغرافیایی عدم اطلاع تولیدکنندگان از وضع بازار -
 نداشتن امکانات مالی و کمبود وسایل حمل و نقل مراجع مستقیم صنعتگران به بازارها مشکل می‌سازد. در نتیجه سلف‌فروشی فرآورده‌های دستی رواج زیادی دارد باین معنی که عددهای پوله و ضمن فراهم آوردن مواد اولیه برای صنعتگران و همچنین تأمین احتیاجات مصرفی آنها به قیمت گزاف صنوعات دستی آنان را به پاره‌پاره‌های ناچیزی خریداری کرده‌گاهی با ۴۰ تا ۶۰ درصد استفاده در شهرها بفروش می‌رسانند.

در نتیجه قسمت صنوعات مزبور بطور غیرعادی متورم شده و نمیتواند قشرهای مختلف مصرفکنندگان را جذب نماید در حالیکه دستمزد ناچیزی عاید تولیدکننده اصلی میگردند.

۵- رقابت شدید صنایع ماشینی با تولیدات دستی.

مصنوعات ماشینی بعلمت تولید بکنواخت فراوانی عرضه ارزانی قیمت و رعایت استاندارد رقیب سرسختی برای محصولات دستی محسوب میشوند . بعلاوه صنایع ماشینی با داشتن سازمان و تشکیلات وسیع قدرت مالی و مدیریت صحیح هر ساله بودجه هفتگی جهت تبلیغات اختصاص میدهند که تولید کنندگان محصولات دستی بکلی فاقد آن میباشند .

۶ - مخالف بعضی از گروههای اجتماعی :

دیرخسی از کشورهای در حال توسعه که تب نو خواهی " فوق العاده بالا - گرفته بعضی از گروههای افراطی اجتماعی نسبت به صنایع دستی مرسوم بومی نظر سلطه ی نداشتند و آنرا از قایای نظام کهنه و فرسوده سابق میدانند . از اینرو در این کشورها ناسازگاری محیط اجتماعی هم مزید بر مشکلات دیگر بوده و مانع تحرك و تکامل صنایع دستی میباشد .

۷ - علاقمندی خریداران داخلی بفرآورده های ماشینی بویژه اشیا لوکس -

ساخت خارج که مصارف تحفه و هدایا دارد .

۸ - عدم وجود پروانه تامین کارگاههای صنایع دستی و تفکیک استادکاران

ماهر از شاگردان تازه کار و کنترل مرغیبت فرآورده های دستی .

۹ - بی اطلاعی اکثر خریداران صنایع دستی از شناخت و رموز فنی

هی تفاوت بودن .

فرآورده های دستی مرغوب و نامرغوب از نظر ظاهری برای آنها وجود
مارکهای تضمین دار .

۱۰ - اعمال نفوذ واسطه ها و فروشندگان دست دوم و سوم برای کاهش سطح

دستزد که نتیجه آن نامرغوبی کیفیت مصنوعات دستی است .

۱۱ - عدم تطبیق فرآورده ها با زندگی جدید .

در تنوع محصولات و ایجاد کالاهای جدید که مطابق ذوق و سلیقه امروز

باشد کوشش نمیشود در صورتیکه با توجه باین امر و کار بردن طرحهای اصیل

ایرانی بازار داخلی و خارجی محصولات دستی قادر به توسعه زیادی است .

۱۰۲ - عدم مراعات اصول فنی :

مشکل دیگر صنعتگران عدم آشنائی کامل به دقیق فنی و اصرار آنها در کار -

بردن اصول کهنه است . در بعضی موارد هوا سطره تقلیدهای ایجاد از

طرحهای غیر ایرانی یا تکرار زیاد طرحهای ایرانی روح اصالت از دست رفته

است . بعلاوه وسائل و ابزار دار غالباً " بسیار قدیمی است و غیر کارآمد .

متأسفانه وسعت زیاد کشور و پراکندگی صنعتگران در سراسر مملکت و متفرق

و مشتت بودن آنها ن و عدم امکان ایجاد سازمان و تشکیلات میان ایشان

و مهمتر از همه روحیه محافظه کار و عدم آمادگی پذیرفتن اصول جدید

تعلیم و تربیت صنعتگران و راهنمایی فنی ایشان را مشکل میسازد .

لزم حمایت از صنایع دستی

بطوریکه دیدیم صنایع دستی مؤثر در توسعه اقتصادی بوده و نمیتوان آنها را ندیده گرفت. از سویی دیگر مشکلاتی عدیده گریبانگیر آنهاست و نمیتوان به حال خودشان رها نمود.

لهذا لازمست دولت به حمایت از آنان برخیزد و بواسطه ممکنه در تقویتشان بکوشد. بدیهی است نمیتوان جمیع رشته های صنعتی را یکسان مورد حمایت قرار داد. در بعضی موارد صلاح در آنست که صنعت دستی "توربجا" تعطیل و کارگران شاغل به رشته های دیگر سوق یابند در ضمن هم رشته ها یکسان به حمایت احتیاج ندارند بنابراین لازمست مطالعه دقیق در وضع هر یک بعمل آید و برنامه ای مناسب برای - رشد صنایع ضد اتخاذ گردد.

مرکز صنایع دستی بهمین منظور از سال ۱۳۴۲ تشکیل و طبق اساسنامه خود موظف به حمایت معقول از صنایع دستی و فراهم نمودن امکانات رشد آنهاست.

در نیمه دوم برنامه عمرانی سوم طرح ایجاد مرکز صنایع دستی به منظور حفظ و
صیانت صنایع دستی و بومی ایجاد کار و افزایش اشتغال در سطح روستاها
بکارگماردن نیروهای انسانی غیر فعال به امر تولیدی بالا بردن سطح در
آمد صنعتگران صنایع دستی و همچنین ایجاد استاندارد و بالاخره تقویت
منابع ارزی کشور از طریق صادرات صنایع دستی بعنوان بخشی از بند
۲ فصل ۴ و برنامه عمرانی کشور با اعتباری بمبلغ ده میلیون و هفتصد و پنجاه -
هک هزار (۱۰ / ۷۵۱ / ۰۰۰) به تصویب رسید و از سال ۱۳۴۴ فعالیت
آن آغاز گردید .

بطور کلی هدفهای این سازمان به قرار زیر است :

- ۱ - صیانت صنایع دستی کشور بهبود وضع و توسعه آنها .
- ۲ - بررسی و مطالعه درباره صنایع دستی موجود جمع آوری آمار صحیح -
صنعتی هرآورد نیروهای انسانی قابل استفاده در این صنایع .
- ۳ - بالا بردن درآمد روفاه و آسایش کسانی که در این رشته کار میکنند .
- ۴ - بکارگماردن نیروهای انسانی غیر فعال با امر تولیدی .
- ۵ - تشخیص احتیاجات و رفع نیازمندیهای صنعتگران در زمینه های زیر :
آموزش فنی از حیث روش کار ابزار و وسایل و تکمیل آنها .
فرم بندی از نظر طرح ایجاد رنگ آمیزی زیبایی و غیره .